

# ساختار سیاسی و امنیتی جدید عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

خسرو بوالحسنی<sup>۱</sup>

حسینعلی توتی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

## چکیده

با اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ ساختار سیاسی و امنیتی جدیدی در این کشور شکل گرفت؛ تدوین قانون اساسی جدید؛ برگزاری انتخابات سراسری و آزاد با حضور تمام گروه‌های سیاسی، قومی و مذهبی؛ شکل‌گیری دولت و مجلس قانون‌گذاری بر مبنای نظام پارلمانی تحولات جدیدی بودند که در سال‌های اخیر به وقوع پیوست. بدیهی است که این تحولات نمی‌تواند بر کشورهای همسایه به ویژه ایران که اشتراکات فرهنگی، تاریخی و مذهبی زیادی با عراق دارد، بی‌تاثیر باشد. بر این اساس هرگونه موفقیت یا شکست در ساختار سیاسی و امنیتی جدید این کشور، مستلزم توجه به تهدیدات ناشی از این تحولات است که ممکن است در آینده، امنیت ملی ج.ا.ا را با مخاطرات ویژه ای مواجه سازد. جامعه آماری این تحقیق تعداد ۳۸۵ نفر از دانشجویان دکتری علوم سیاسی می‌باشد، این پژوهش با طرح این سوال که ساختار سیاسی و امنیتی جدید عراق چه تاثیری بر امنیت ملی ج.ا.ا دارد، به این نتیجه رسیده است که ساختار جدید عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سیاسی و امنیتی تاثیر مستقیم دارد. این مقاله با روش تحلیلی-تبیینی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و پیمایشی انجام شده است..

**کلید واژه‌ها:** ساختار سیاسی و امنیتی عراق، دولت - ملت‌سازی، نظام فدرال، امنیت ملی ایران

<sup>۱</sup> استادیار - علوم دفاعی راهبردی - دانشگاه عالی دفاع ملی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

## مقدمه

تحولات جدید در عراق و شکل‌گیری ساخت جدیدی از قدرت و سیاست در این کشور، چشم‌انداز نظام‌های سیاسی - امنیتی، مذهبی، قومی و اقتصادی و همچنین نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منطقه خاورمیانه را تغییر داده است. ساختار جدید عراق دارای سه بعد است: نخست، بعد داخلی، که بر اساس آن مبارزه گروه‌های سیاسی و قومی داخلی برای تقسیم قدرت و باز تعریف نقش‌ها در یک نظم جدید و انتقالی، علی‌رغم گذشت بیش از ۵ سال از آغاز این بحران در سال ۲۰۰۳، همچنان ادامه دارد؛ دوم، بعد منطقه‌ای، که بیش از هر چیز به آثار تحولات قدرت و سیاست در عراق بر محیط منطقه‌ای و به دنبال آن نقش همسایگان و بازیگران منطقه‌ای مربوط می‌شود. از این لحاظ، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا در عراق و تلاش آن در جهت شکل‌دهی یک نظم جدید براساس منافع ملی آمریکا، همچون تأسیس پایگاه‌های نظامی و حضور دراز مدت و حمایت از نخبگان طرفدار آمریکا در ساختار قدرت عراق، با منافع و امنیت ملی همسایگان عراق به خصوص ایران و سوریه در تضاد است؛ امری که به طور طبیعی بر سوء تفاهمات و تداوم بحران عراق می‌افزاید. سوم، بعد بین‌المللی بحران عراق است که به نوعی به امنیت بین‌الملل و نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مربوط می‌شود.

با بروز حوادث ۱۱ سپتامبر و به دنبال آن بروز بحران‌های منطقه‌ای همچون افغانستان، عراق و لبنان (بعد از سال ۲۰۰۶)، مسائل سیاست و امنیت در خاورمیانه به نوعی با مسایل سیاست جهانی ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده است. این امر بیش از هر چیز به تغییر ماهیت تهدیدات امنیتی در خاورمیانه برمی‌گردد که به جای رقابت‌های سنتی و نظامی میان دولت‌ها بیشتر بر تهدیدات مربوط به امنیت بشری، تقاضاهای سیاسی توده‌ها، درگیری‌های قومی - مذهبی و به طور کلی تهدیدات مربوط به روند انتقال و ساخت داخلی قدرت، متمرکز گردیده است؛ تهدیداتی که حل آنها بیشتر نیازمند همکاری‌های نزدیک بین‌المللی و منطقه‌ای هستند.

شکل‌گیری عراق جدید با ماهیت متفاوتی از قدرت و سیاست، موضوعی حائز اهمیت از لحاظ منافع و امنیت ملی ایران است. این امر نه تنها در سطح روابط دو جانبه و ملی، بلکه در سطح منطقه‌ای و روابط با جهان عرب و در سطح بین‌الملل و روابط با آمریکا، برای ایران بسیار مهم است. از آغاز بحران در طول ۵ سال گذشته، هر چند سیاست خارجی ایران با توجه به تحولات منطقه‌ای و نقش بازیگران فرامنطقه‌ای با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده، اما به درستی با

تأکید بر حفظ تمامیت ارضی عراق، حمایت از ایجاد ثبات و امنیت و شکل‌گیری یک حکومت فراگیر و مبتنی بر رأی اکثریت، با واقع‌گرایی سعی در حمایت از روند انتقال عراق جدید داشته است. همچنین سیاست خارجی ایران با رویکردی استراتژیک با بهره‌گیری از فرصت پدید آمده سعی در ایجاد یک ائتلاف استراتژیک با عراق جدید در مرحله اول و اتصال مسائل عراق به نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس در مرحله دوم داشته است.

با ورود عنصر شیعی در ساخت قدرت و سیاست عراق و تأثیرات منطقه‌ای آن، همراه با بازتعریف نقش بازیگران منطقه‌ای همچون ایران و عراق، ضرورت شکل‌گیری یک نظام سیاسی - امنیتی جدید در منطقه خلیج فارس مبتنی بر نظام «امنیت منطقه‌ای» امری اجتناب‌ناپذیر شده است. در واقع عراق جدید میراث دار تحولات ژرف تاریخی از حاکمان گذشته خویش می‌باشد؛ و در شرایط جدید آستن یک سری مسائلی سیاسی - امنیتی برای ایران است.

این پژوهش در ابتدا با بررسی کلیات به تبیین چارچوب مفهومی می‌پردازد. در مرحله بعد با تحلیل ساختار سیاسی و امنیتی جدید عراق، فرصت‌ها و چالش‌های موجود آمده برای ایران را بررسی می‌کند. و در نهایت با بررسی سوالات پرسش‌نامه و تحلیل‌های آماری مرتبط، نتیجه‌گیری و راهبردها ارائه می‌شود.

## مبانی نظری

در رویکرد عمل‌گرایانه و پراگماتیست بیان می‌شود که کشورها بایستی با دیدی عمل‌گرا در روابط با کشورهای دیگر هم جنبه‌های مثبت و فرصت‌ها را و هم ابعاد منفی و چالش‌ها را در نظر بگیرند. صحنه سیاست خارجی عراق تلافیگاه جنبه‌های ایدئولوژیک و پراگماتیک در سیاست خارجی برای ایران است و به این معنی است که صرفاً نبایستی از نگاه ایدئولوژیک موضوع مورد پژوهش را بررسی کرد؛ بلکه منافع ملی ایران ملزم به اتخاذ استراتژی‌های دقیق سیاسی - امنیتی است. باید پذیرفت که کشور عراق با مجموعه ویژگی‌های پایدار قومی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن، تعریف مشخصی در منافع ملی ایران داشته و خواهد داشت.

اشتراکات و واقعیت‌های سیاسی موجود، گسترش روابط دو کشور را اجتناب‌پذیر می‌سازد و سرنوشت دو کشور را در تامین امنیت منطقه‌ای به هم گره می‌زند. جدا از این، واقعیت انکارناپذیر دیگر در روابط دو کشور نیز وجود دارد که با توجه به تحولات جدید در عراق، نقش آن را دو چندان کرده است، مسئله شیعیان عراق است. در واقع، وجود اکثریت شیعیان در عراق و سابقه

۱۴۰۰ سال همبستگی، سرخوردگی و همدردی فرهنگ شیعه و اتصال به ایران از طریق اماکن مقدس و حوزه های علمیه، عراق را در مقایسه با سایر کشورهای عربی، از نگاه ایران متمایز می-کند. تعریف جدید از روابط با توجه به حضور بارز شیعیان در راس قدرت می تواند روابط دو کشور را از سوء ظن و بی اعتمادی با هزینه های بالا دور کند و آنها را به دوست و همکار منطقه ای یا حداقل رقیب سازنده و قابل اعتماد در منطقه تبدیل نماید (بهمنی، ۱۳۸۷: ۱۹۳).

به هر حال به دلیل مبانی و ساختار قدرت ایران و عراق از جنبه های مختلف سیاسی و امنیتی و همچنین ماهیت متحول مسائل منطقه و جهان عرب، درجه ای از رقابت بالقوه بین دو کشور حفظ خواهد شد که البته منطبق طبیعی ساخت قدرت و سیاست در منطقه پیچیده خاورمیانه است (Ketens, 2007). لذا رویکرد نظری صحیح این خواهد بود که عراق را با تمام ویژگی های واقعی اش باید شناخت. هم ظرفیت های فراوان همکاری آن و هم چالش ها و تعارضاتی که در بستر تاریخی این روابط نهفته است؛ بنابراین، در شرایط فعلی بایستی از حداکثر ظرفیت های همگرایی و همکاری بهره جست؛ اما باید همچنان مراقب تحرکات این کشور نیز بود (Kordesman, 2006: 2-3).

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی بوده و به روش کتابخانه ای و پیمایشی انجام شده است. پرسشنامه تحقیق از نوع بسته و در قالب پنج سطح مبتنی بر طبقه بندی لیکرت تنظیم شده است. در پایان کار در تجزیه و تحلیل نتایج از نرم افزار SPSS استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، مجموعه کارشناسان و پژوهشگران مرتبط با مسائل عراق هستند.

### عراق جدید و امنیت ملی ایران

سیر مناسبات دو کشور را می توان در سه دوره متمایز مورد بررسی قرار داد:

۱. سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸ را در برمی گیرد که می توان به دوره همکاری های نسبی و تفاهم نامید. در این دوره در هر دو کشور نظام های پادشاهی حاکم بودند. بین دو کشور تعارض و کشمکش خاصی مشاهده نمی شد و دولت های دو کشور در مورد بسیاری از مسائل دو جانبه، منطقه ای و حتی بین المللی با هم همکاری داشتند.

۲. سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸ را می توان دوره کشمکش و خصومت ورزی نامید. در این دوره پس از سرنگونی حکومت پادشاهی عراق و به قدرت رسیدن حکومت رادیکال قاسم، به تدریج روابط دو کشور دچار تنش شد. این روند با پیروزی انقلاب اسلامی تشدید و در نهایت به بروز جنگ

بین دو کشور منجر شد. البته بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ مواردی از همکاری و تفاهم بین دو کشور مشاهده شد؛ ولی این همکاری ها عمیق و پایدار نبوده و محرک آن عوامل خارجی بوده است.

۳. دوره بعد از ۱۹۸۸ تا کنون را باید دوره ابهام نامید. با اینکه نیروهای عراقی از اراضی ایران عقب نشینی کرده و موافقت نامه الجزایر مورد پذیرش عراق قرار گرفته است؛ اما هنوز عهدنامه رسمی صلح بین دو کشور امضاء نشده است. در واقع این دوره دوره نه جنگ و نه صلح بوده و تعاملات دو طرف آمیزه ای از همکاری و خصومت بوده و هنوز فضای بی اعتمادی و سوء ظن بر مناسبات دو کشور حاکم می باشد (میلر، ۱۳۷۰: ۱۳۹).

جسبیدگی جغرافیایی ایران و عراق و تبارشناسی روابط امنیتی گذشته، تاثیر فراوان عراق بر امنیت ملی ایران را تعیین می کند. عراق تنها کشور همسایه ای است که در ۱۵۰ سال اخیر به ایران حمله کرده است. وجود عنصر کرد، ژئوپولیتیک عراق، مرزهای آبی و خاکی، جمعیت ۶۰٪ اهل تشیع در این کشور، ناامن بودن فضای داخلی این کشور بعد از حمله سال ۲۰۰۳، قدرت یابی نیروهای سیاسی شیعی، نیازمندی و پتانسیل های اقتصادی\_ عمرانی این کشور، حضور قدرت های بین المللی و رقابت قدرت های منطقه ای در این سرزمین و نمونه های فراوان دیگر از جمله مواردی است که اهمیت عراق را در امنیت ملی ایران برجسته کرده است؛ بنابراین از چند بعد به این مهم می پردازیم.

- حضور قدرت های منطقه ای و افزایش نفوذ اسرائیل در شمال عراق و تاثیر گذاری آن بر قومیت های عراق، مسائل جدیدی را در حوزه امنیتی ایران درباره تحولات عراق نوین باز کرده است و این خود ناشی از خلاء قدرتی توانمند در صحنه عراق است که توان ایجاد ثبات و امنیت را در فضای داخلی این کشور دارا نیست.

- عراق محل حضور اقوام و مذاهب مختلف در صحنه اجتماع است. گوناگونی مذهبی علی الخصوص شیعه و سنی، بافت قدرت و تحولات اجتماعی این کشور را ویژه کرده است. حضور اقلیت سنی در راس هرم قدرت در تاریخ گذشته عراق، و فشار های شدید بر شیعیان این کشور مهمل اختلافاتی فراوان با ایران بوده است. عراق جدید هر چند با توجه به اکثریت شیعی در سیستم دموکراتیک این کشور دغدغه های مذهبی ایران را کاهش داده است؛ لیکن به دلیل شکننده بودن ساختار قدرت در این کشور همچنان این اختلافات مذهبی

بالاخص با تبلیغات وسیع وهابیون در صحنه اجتماعی عراق از دغدغه های مهم ایران در عراق نوین قلمداد می شود (برزگر، ۱۳۸۷: ۶۶).

- از لحاظ سیاسی استراتژیک عراق جدید کارکردی دوگانه را در ظرفیت ها و پتانسیل خوش مستتر دارد؛ عراق می تواند از حالت متعادل کننده قدرت ایران در منطقه خارج شود و در طرح و استراتژی های سیاسی - استراتژیک در کنار ایران قرار بگیرد؛ به عبارت دیگر با خروج از تعریف سنتی توازن قوا، فرصت جدیدی برای ایران فراهم می شود تا به باز تعریف نقش منطقه ای خود به عنوان یک بازیگر و قدرت منطقه ای بپردازد. ( Bulent, 2004:23).

### فرصت ها و چالش های سیاسی و امنیتی ایران در عراق جدید

حفظ ثبات در عراق برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی است؛ ایران دارای ابزار های قوی و طبیعی در جهت حفظ امنیت و ثبات است؛ بنابراین آمریکا برای حفظ امنیت در عراق به ایران نیاز دارد. این نفوذ ایران در میان گروه های مختلف عراقی و نیازمندی آمریکا به ثبات درونی این کشور بستر مهمی برای چانه زنی های دیپلماتیک جهت حل بسیاری مسائل دیگر اختلافی با آمریکا است؛ بنابراین ایران مبتنی بر عنصر شیعه، دو استراتژی سیاسی - امنیتی را در آینده باید دنبال نماید (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۵). همچنین ایران از جنبه داخلی و منطقه ای کار کردن با گروه ها و احزاب شیعی، منافع زیادی را برای خود در نظر گرفته است؛ و شکل گیری نوعی ائتلاف با این کشور و سایر کشورهای همسو در منطقه را بایستی جهت افزایش فرصت ظرفیت سازی در حوزه های مختلف سیاست خارجی افزایش داده است. استراتژی سیاسی - امنیتی ایران بایستی در جهت افزایش دوستان و حکومت های همفکر منطقه فعال باشد، تا چالش افزایشی های پرهزینه باعث افزایش بی اعتمادی نشود و حجم فراوانی از تولید ناخالص ملی را صرف هزینه های امنیتی ننماید.

مسئله کردستان: صحنه سیاست خارجی عراق تلاقی گاه جنبه های ایدئولوژیک و پراگماتیک در سیاست خارجی برای نخستین بار بعد از انقلاب اسلامی است و به این معنی است که صرفا ناپستی از نگاه ایدئولوژیک به استقبال این واقعیت رفت، بلکه منافع ملی ایران ملتزم به اتخاذ چنین استراتژی های سیاسی - امنیتی است؛ تا از منظر حمایت از گروه های همسو در عراق، ائتلاف منطقه را تشکیل، تا حداقل برای ایفای نقش های منطقه ای ایران ابزار فشار آن نیز در

دسترس باشد.

درگیری های بین کشورها از ناحیه گرایش های ناسیونالیستی و بروز درگیری های درون کشوری در جهان سوم به علت نبود تجربه ای قوی در خصوص دولت سازی و استعمار دیرینه- شان، دلالت بر تهدید آفرینی قومیت و ملیت برای امنیت ملی کشورهای جهان سومی دارد که راه حل منطقه ای را طلب می کند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۶۱).

مسئله کردستان عراق به دلیل وجود اقلیت های کرد در کشور های همسایه عراق و همچنین حساسیت کشورهای عربی در خصوص کاهش قدرت اعراب سنی، پذیرش فدرالیسم توسط قانون اساسی عراق، شرایط اقتصادی کردستان، احزاب سیاسی کردی و مسئله همه پرسی کرکوک وضعیت کردهای عراق را در امنیت ملی کشورهای دارای اقلیت کرد بالاخص ایران ویژه کرده است (تیشه یار و ظهیرنژاد، ۱۳۸۴: ۱۲۸). اما همسایگان عراق همچنان نگران بوده و حمایت امریکا از خواسته های اکراد و تمایل کشورهای اروپایی به برقراری ارتباط با سران آنها، فعالیت اسرائیل در کردستان عراق، وضعیتی جدید فراروی دول همسایه از جمله ایران قرار داده است.

متغییر رقبای منطقه ای: علاوه بر ایران، رقبای منطقه ای نیز در این کشور منافع داشته که بایستی استراتژی های امنیتی ایران در عراق در چگونگی برخورد با آنها تبیین گردد. عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل مهمترین کشورهایی اند که در صحنه عراق بدنبال منافع و راهبردهای خویش اند. بنابراین راهبرد جمهوری اسلامی در مقابل هرکدام، نیازمند ظرافت ودقت فراوانی است تا امنیت ملی به بهترین نحو در عراق جدید تنظیم گردد (Naser, 2006: 11).

رفتار با آمریکا در صحنه بین الملل: هرچند ایالت متحده امریکا در طرح اولیه خود برای عراق خواستار ایجاد رقیبی استراتژیک و موازنه گر در قبال ایران بود؛ اما نتیجه ای شد که امریکا را مجبور به پذیرش نقش ایران در این کشور کرد. بنابراین روند فعلی عراق و بی ثباتی این کشور نیازمند مشارکت فعال ایران در صحنه فرآوری آرامش به این کشور است. نفوذ معنوی ایران در میان گروههای شیعه جهت تامین امنیت، نفوذ در میان گروههای کردی برای جلوگیری از تجزیه این کشور و نا آرامی های بعدی، شناخت دقیق ایران از پیچیدگی های سیاسی، فرهنگی واجتماعی عراق میتواند در ایجاد آرامش در عراق نقش بسزایی داشته باشد و این چیزی است که امریکا نیاز دارد. ایران و امریکا هر دو از آرامش در این کشور حمایت می کنند. البته با انگیزه های مختلف: یکی به خاطر استثمار منابع زیرزمینی و امنیت نفت، دیگری به خاطر همسایگی، هم مذهبی و منافع

ملی خودش؛ لذا در این روند بایستی تعاملی دوجانبه برقرار گردد و از طرفی دیگر بایستی ایران نه تنها صحنه عراق را به تعاملات درون عراقی محدود ننماید؛ بلکه با امریکا چانه زنی های قوی را بر سر سایر موارد اختلافی - استراتژیکی همچون موضوع هسته ای پردازد. (کتاب آمریکا، ۱۳۸۲: ۱۵۰-۱۴۷)

مسائل مرزی (معاهدات، غرامت، توافق نامه صلح و ...): مسائل مرزی، در کنار حوادث ناشی از جنگ تحمیلی از اساسی ترین مؤلفه های تاثیر گذاری است که بر روابط دو کشور سایه افکننده است (رمضانی، ۱۳۸۶: ۸۷).

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

مطالعه تاریخ سیاسی عراق تا قبل از اشغال توسط آمریکا نشان می دهد که استیلای اعراب سنی تقریباً در تمام بخش های جامعه گسترش یافته و شیعیان و کردهای این کشور همیشه در حاشیه قدرت سیاسی قرار داشته اند (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۹۳)؛ اما پس از حمله آمریکا به عراق و سقوط حزب بعث و برگزاری انتخابات سراسری در این کشور روند متوقف شده و ساختار سیاسی جدیدی با حضور تمام گروه های قومی و مذهبی عراق (البته با اکثریت شیعه) تشکیل شده است. به نظر می رسد اکثر شخصیت ها، احزاب و گروههای عراقی (به جز اقلیت ۱۵ درصدی اهل سنت) با فدرالیسم موافق هستند. دسته ای از آنها فدرالیسم را ساختاری کارآمد برای حل معضلات و اختلافات گروههای قومی و مذهبی در عراق می دانند و دسته ای دیگر فدرالیسم را به لحاظ کارآیی دارای قابلیت های فراوان برای اصلاح نظام سیاسی اقتصادی عراق قلمداد می کنند (سندگل، ۱۳۸۸: ۹۲).

عراق جدید واجد تحولاتی است که تغییر در ساختار قدرت و هویت آن باعث دگرگونی هایی در ژئوپلیتیک و رویکردهای بازیگران خاورمیانه ای شده است. حضور شیعیان و اکراد در ساخت قدرت بغداد، حذف رژیم بعثی، فرصت های بوجود آمده در عراق جدید در جهت منافع ملی ایران است. حضور بازیگر فرامنطقه ای امریکا و بازیگران منطقه ای دیگر در آمایش و روند تحولات عراق نوین باعث اتخاذ استراتژی های سیاسی امنیتی ویژه ایران در قبال این واقعیات شده است. حضور شیعیان در راس هرم سیاسی عراق، عنصر کردی، مسائل مرزی، منافع بازیگران منطقه ای و... از جمله دغدغه هایی است که رویکرد های استراتژیک ایران در عراق را توجیه و تبیین می نماید.



پژوهش ذیل در پی تحلیل رویکردهای سیاسی - امنیتی ایران در قبال تحولات عراق نوین می‌باشد و با بررسی فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی ایران در این کشور، سعی در ارائه رویکردهای بهینه استراتژیک در قبال تحولات عراق نوین در جهت افزایش و کارایی امنیت ملی ایران دارد. عراق همواره در سیاست خارجی ایران جایگاهی خاص داشته است. طی نیم قرن گذشته نگاه ایران و عراق به یکدیگر، نگاهی امنیتی بوده است. در وضعیت جدید با وارد شدن عناصری تازه در حوزه سیاسی عراق، جایگاه این کشور در سیاست خارجی ایران اهمیت بیشتری یافته است. در واقع، گرایش‌ها از تخاصم و تضاد به رقابت و همکاری میل کرده است (کاظمی، ۱۳۷۲: ۴۵).

اصولا عمیق‌ترین تحقیقات حوزه سیاست خارجی به دلیل ارتباط مستقیم با مسائل امنیت ملی و فراهم سازی زمینه‌های فرصت‌سازی، باید در حوزه‌ی همسایگان صورت گیرد. از این لحاظ، کشور عراق در میان همسایگان ایران دارای موقعیت ویژه‌ای است. ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و مذهبی عراق به گونه‌ای است که ماهیت قدرت و سیاست در این کشور و به تبع، نوع روابط آن با همسایگانش را پیچیده کرده است (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۳).

منطق اهمیت عراق جدید در حوزه سیاست خارجی، شکل‌گیری یک سری متغیرهای جدید همچون تقویت عنصر شیعی در ساخت قدرت و حکومت عراق، روند حرکت عراق از یک دشمن استراتژیک به یک همکار منطقه‌ای و به تبع، تعادل در سیاست ایران با منطقه و جهان عرب و همچنین جایگاه عراق در روابط بین‌الملل ایران و تنظیم سیاست خارجی با قدرت‌های بزرگ همچون آمریکا و آثار بر امنیت و منافع ملی ایران می‌باشد؛ اما از طرف دیگر وجود یک سری اختلافات باتوجه به تاریخ روابط خارجی دو کشور، روابط و تعاملات فعلی طرفین را نیز تحت الشعاع قرار داده است (جهانگرد، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

برای نخستین بار با حضور شیعیان در راس قدرت عراق و شکل‌گیری نوعی جدید از ساختار قدرت و با ترمیم و بهبود روابط با مردم و دولت جدید عراق، ایران سیاست کلی خود را از "امنیت‌سازی" به "فرصت‌سازی" در قبال این کشور سوق داده است. در چنین فضایی با توجه به همسایگی و عضویت عراق به عنوان بخشی از حوزه تمدنی و فرهنگی ایران، تحولات آن خواسته یا ناخواسته محیط سیاسی - امنیتی ایران را متاثر می‌کند. از سوی دیگر بازیگری جمهوری اسلامی ایران در عراق در تقابل با آمریکا و دارای اصطکاک و یا همسویی با قدرت‌های منطقه‌ای

همچون اسرائیل، عربستان، ترکیه و.. خواهد بود که استراتژی هایی می طلبد تا با فرصت سازی و امنیت یابی، تسلط بر اشکال و متدهای بازی را برای سیاستمداران ایرانی الزامی نماید (تیشه یار و ظهیرنژاد، ۱۳۸۴: ۱)؛ لذا ایران با توجه به اینکه بزرگترین تهدید منطقه ای خویش را همواره عراق تعریف کرده بود و فضای ابهام آلود کنونی نیز روندی امنیتی به ارتباطات داده است؛ مبتنی بر تاریخ تحولات روابط گذشته این دو کشور، نیازمند تعریف استراتژی های سیاسی- امنیتی خاص خود با توجه به فضای جدید بین المللی، منطقه ای و داخلی عراق است. به هر روی فضای سیاسی- امنیتی عراق جدید که هم فرصت ساز است و هم تهدید زا، نیازمند تدوین استراتژی های سیاسی - امنیتی مختلفی است تا اهداف و منافع ملی کشور را در این بین، ارضاء نماید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۵۸).

### نتیجه گیری

به نظر می رسد با ظهور عراق جدید و با توجه به اشتراکات فراوان قومی، مذهبی، تاریخی و اقتصادی، روابط دو کشور ایران و عراق می تواند یک روند همگرایی را با شتاب مناسب طی نماید؛ زیرا در این صورت عراق می تواند مشکلات ژئوپلیتیکی خود را در یک چارچوب همکاری با ایران بخوبی حل و فصل نماید. گرچه در مسیر همگرایی دو کشور هنوز مشکلاتی وجود دارد؛ تفاوت های هویتی میان ملت های ایران و عراق و اثرات تبلیغات منفی طولانی مدت حزب بعث علیه ایران که هم اکنون نیز توسط برخی جریانات در داخل عراق دامن زده می شود به سادگی قابل فراموش کردن نیست. در این میان فعالیت های قدرت های خارجی به ویژه آمریکا در ایجاد فاصله بین دو کشور تأثیرگذار است؛ اما مسئله مهم تر و اثر گذارتر، تغییرات و تحولات به وقوع پیوسته در عراق است.

تحولات عمیق ژئوپلیتیکی در عراق تأثیرات گسترده ای بر این کشور، منطقه خاورمیانه و نظام بین الملل برجای گذارده است. ظهور عراق جدید علاوه بر تأثیر بر ساختارهای نظامی- امنیتی در نظام بین الملل، ماهیت روابط بین قدرت های بزرگ را متحول ساخته است. تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی عراق بر جمهوری اسلامی ایران و همگرایی میان دو کشور از موضوعات بسیار حائز اهمیت است که توجه بسیاری از کشورها را به خود جلب کرده است. با توجه به تغییرات اساسی در ساختارهای قدرت در عراق جدید، این کشور نه تنها دیگر یک تهدید خارجی برای ایران محسوب نمی شود؛ بلکه یکی از دروازه های اصلی ایران به سوی جهان عرب به شمار می رود.

روند همگرایی دو کشور ایران و عراق در سازمان های منطقه ای و بین المللی، و در روابط آنها با قدرت های بزرگ و مسائل منطقه خاورمیانه از حوزه های قابل تصور در آینده می باشد. علاوه بر این با توجه به اوضاع و شرایط اقتصاد بین الملل، همگرایی دو کشور در بعد اقتصادی می تواند از پیامدهای ظهور عراق جدید تلقی گردد. ایجاد زیرساخت های اقتصادی در آینده که همگونی فرهنگی و ایدئولوژیک کاتالیزور آن است، از زمینه های همگرایی بین دو کشور محسوب می گردد. آثار اولیه همگرایی دوجانبه در روابط را می توان در حضور "جلال طالبانی" رئیس جمهور عراق در اجلاس اکو در اسفندماه گذشته در تهران مشاهده کرد که خود می تواند به عنوان بستری برای شکل گیری و توسعه همکاری های بیشتر اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. تحولات ژئوپلیتیک در عراق و ظهور عراق جدید زمینه ساز همکاری بین دو کشور و حرکت در مسیر همگرایی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی گردیده است که با درک واقعیات ژئوپلیتیک جاری توسط طرفین می تواند رشد و توسعه یابد.

در مجموع در این مقاله تأثیرات سیاسی ساختار سیاسی عراق بر امنیت ملی ایران را در سه محور فدرالیسم، حاکمیت دولت شیعه و خروج نظامیان آمریکایی بررسی کردیم. در بحث فدرالیسم ملاحظه شد که اکثریت پاسخگویان این تأثیرات را در جهت منفی و متوسط به بالا می دانند. لذا جمهوری اسلامی باید با اتخاذ تدابیری هوشمندانه در جهت کاهش تأثیرات منفی این موضوع قدم بردارد. در موضوع تأثیرات سیاسی حضور دولت شیعی در عراق، حاکی از تاثیر مثبت و بالای این عامل بر جمهوری اسلامی می باشد. لذا ایران باید همه تلاش خود را در جهت تقویت این عامل در عراق به کار بندد. خروج آمریکایی ها از عراق نیز که در توافقنامه امنیتی سال ۲۰۰۸ بین آمریکا و عراق مورد توافق قرار گرفته بود هم اینک در مراحل پایانی خود قرار دارد لذا در مورد تأثیرات سیاسی این موضوع بر امنیت ملی ج.ا. ایران از مخاطبین نظرخواهی شد که در مجموع نشان داد که این تاثیر مثبت و زیاد می باشد. لذا سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید بر مبنای ایفای نقش بیشتر و موثرتر در عراق پس از خروج آمریکاییها استوار گردد.

راهکارهای سیاسی که ارائه می شود عبارتند از:

- تلاش برای افزایش اقتدار سیاسی دولت عراق و افزایش نقش این کشور در حوزه کشورهای

عربی

- توسعه و تحکیم روابط با دولت جدید عراق برای از بین بردن تأثیرات پروژه ایران هراسی در نزد مردم عراق که از طرف آمریکاییها پیگیری می‌شود.
  - کمک به دولت شیعه عراق در زمینه افشای جریانات وابسته به آمریکا
  - حمایت حساب شده از جریانات شیعه همسو با ایران به منظور خنثی کردن تحرکات ضدشیعی
  - ایجاد تعادل در قدرت در میان گروههای قومی و هویتی جدید در عراق
  - کمک به مشارکت سیاسی گروههای قومی و هویتی جدید در عراق
  - کمک به مشارکت سیاسی گروههای سیاسی غیرشیعی ولی همسو با ایران در روند تثبیت سیاسی عراق جدید
- راهکارهایی امنیتی که ارائه می‌شود عبارتند از:
- تقویت مناسبات اطلاعاتی- امنیتی با دولت و جریانات سیاسی عراق
  - تشکیل کمیته اطلاعاتی- امنیتی مشترک با دولت عراق
  - پذیرش دانشجویان عراق برای گذراندن دوره های امنیتی و اطلاعاتی در ایران

## فهرست منابع

### منابع فارسی:

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱) مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- برزگر، کیهان (۱۳۸۵) تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه‌های روابط خصمانه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، راهبرد، شماره ۳۹، بهار ۸۵
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷) ایران - عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس، تهران: پژوهش‌های دانشگاه آزاد اسلامی
- بهمنی، محمد (۱۳۸۷) شیعیان عراق از انزوا تا حاکمیت، مجموعه مقالات عراق نوین و تحولات خاور میانه، تهران: اندیشه سازان نور
- تیشه یار، ماندانا و مهناز ظهیر نژاد (۱۳۸۴) سیاست خارجی عراق (بررسی نقش جغرافیای سیاسی عراق در روابط با همسایگان، تهران: مولفین
- جهانگرد، نسرین (۱۳۸۸) نگرشی بر روابط و اختلافات مرزی ایران و عراق، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۱۹، تابستان، ۲۰-۱
- رضانی، روح‌الله (۱۳۸۶) چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی
- سندگل، محمد (۱۳۸۸) نقش تحولات ژئوپولیتیکی عراق بر امنیت ملی ایران، قم: نشر زراره
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۲) اصول روابط بین الملل، تهران: نشر میزان
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲) روابط بین الملل در تئوری و عمل: تهران قومس
- کتاب آمریکا ۱ (۱۳۸۲) ویژه‌دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی ابرار معاصر
- میلر، آرتور (۱۳۷۰) از تکریت تا کویت، ترجمه حسن تقی زاده، تهران: کویر

### منابع انگلیسی:

- Bulent, Aras (2004) Turkey and the Greater middle East, Istanbul: Tasma Publication
- Ketens, orhan (2007) "Turkmens, Turkmenliand The Musul Region" Journal of Turkish Weekly, may. Vavalablea t .www. Turk-

ish weekly .net

- Kordesman, Anthony H.(2006) Milestones, Benchmarks, and Real World Options, October 30, <http://www.csis.org/>.
- Nasr, Vali(2006) “When the Shiites Rise” Foreign Affairs, July/ August 2006.